



بررسی جایگاه مؤلفه اعتماد در سرمایه اجتماعی

(با توجه به نظریه «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن»)

عزیزالله شیخ زاده^۱

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۷

چکیده

سرمایه اجتماعی از مفاهیم نسبتاً جدیدی است که در آن ارزش‌های مقبول و مؤثر در میان افراد جامعه، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پرداختن به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه به دلیل تأثیر مستقیم در عملکرد افراد، دارای اهمیت است. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی عبارتند از: «اعتماد، مشارکت اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های مشترک، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، روحیه داوطلبی، زیرساخت‌ها». طبق نظریه «بازتاب فرهنگ زمانه»، صاحب‌وحدی با آگاهی از موقعیت و شرایط اجتماعی عصر جاهلیت و با برنامه و مصلحت این مقوله از مطالب را در جای جای قرآن آورده است. لذا قرآن بازتاب فرهنگ زمانه است البته نه به این معنا که ناخودآگاه و بدون توجه صاحب‌وحدی و بدون توجه به پیامد آن فرهنگ عصر در این مباحث راه یافته، بلکه به دلیل عواملی، خود خداوند مقوله‌هایی از عادات و عقاید و معارف و جهان‌بینی مردم حجاز و مخاطبین عصر نزول را در لابه لای معارف و حیانی منعکس ساخته است. در این مقاله، با توجه به اهمیت مؤلفه «اعتماد» و تأثیر آن بر دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، با استفاده از منابع مطالعاتی گذشته و با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی مؤلفه اعتماد پرداخته شده و سپس با توجه به نظریه «بازتاب فرهنگ زمانه»، این مؤلفه در قرآن کریم بررسی گردیده است.

واژگان کلیدی: اعتماد، سرمایه اجتماعی، فرهنگ زمانه، وسع، نصیح

مقدمه

نکته مهمی که متفکران ساحت نظری مدیریت در ابتدا بر آن تأکید داشته‌اند، جهان‌شمولی نظریه‌های مدیریت از حیث قلمرو مکانی و زمانی است. بدین معنا که دنبال اصولی بوده‌اند، شبیه اصول علوم طبیعی؛ یعنی اصولی که در شرایط مختلف زمانی و مکانی از عهده تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها و موضوعات سازمانی برآیند؛ این نگرش کارکردگرایانه با افزایش پیچیدگی‌ها و تغییرات محیطی، با بحران بزرگ مواجه شد؛ به‌طوری که با وجود افزایش روزافزون نظریه‌ها، روزبه‌روز از توانایی آنها در ارایه تبیین جهان‌شمول و پیش‌بینی موفق رفتار پدیده‌ای سازمانی کاسته شد (فریدمن، ۱۹۹۲: ۲۶-۳۸).

مفهوم سرمایه اجتماعی از مفاهیمی بدیع و جدیدی است که کمتر از یک قرن اخیر وارد ادبیات علمی و پژوهشی شده است. هر چند مفهوم مترادف سرمایه اجتماعی از سالها قبل در علومی همچون مطالعات اجتماعی، علوم سیاسی، مدیریت و ... مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گرفته، اما با ابداع این مفهوم، توسعه آن در رشته‌های مختلف علوم انسانی پیشرفت سریعی داشته است. سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که نقش مهم‌تری نسبت به سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند. امروزه در جامعه‌شناسی و اقتصاد و به تازگی در مدیریت و سازمان، مفهوم سرمایه اجتماعی به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. مفهوم سرمایه اجتماعی به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع ارزش اشاره دارد و با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود (مهدی الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۱، ۲). در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست داده و پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌گردد. سرمایه اجتماعی چه در سطح مدیریت کلان و چه در سطح مدیریت سازمان‌ها و بنگاه‌ها می‌تواند شناخت جدیدی از سیستم‌های اقتصادی اجتماعی ایجاد کند و به مدیران در هدایت بهتر سیستم یاری رساند.

سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت و بهبود عملکرد سازمان قلمداد می‌شود. مدیران و کسانی که بتوانند در سازمان، سرمایه اجتماعی ایجاد کنند، راه کامیابی شغلی و سازمانی خود را هموار می‌سازند. به-کارگیری سرمایه اجتماعی در سطح سازمانی مزایا و ابعاد و مؤلفه‌هایی دارد که متناسب با فرهنگ



جامعه است. حال می‌توان گفت، سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه و بالفعلی است که در شبکه‌ای با دوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود و در روابط میان افراد تجسم می‌یابد (احمدی و فیض آبادی، ۱۳۹۰: ۳۶).

از طرفی دیگر تفسیر قرآن، فرایندی هدف‌مند و روش‌مند است که موضوع آن قرآن کریم و هدف آن کشف مقصود آیات قرآن است. در شرافت تفسیر قرآن همین بس که اولین مفسر آن پیامبر اکرم (ص) می‌باشد.

با فاصله‌گیری از عصر رسالت روش‌ها و گرایش‌های مختلفی در این عرصه پدید آمد که برخی از آنها ریشه در زمان وحی دارد و برخی دیگر با نیازها و دغدغه‌های روز ظهور یافته‌اند. روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن از چنان اهمیتی برخوردار است که تاکنون کتاب‌های زیادی از سوی علمای فن درباره آن نوشته شده و با معیارهای تفسیری ارائه شده از طرف ائمه اطهار مقایسه شده‌اند.

با توجه به اینکه موضوع سرمایه اجتماعی همچون دیگر موضوعات در دهه‌های اخیر مطرح شده است و دانشمندان علوم مختلف به آن پرداخته‌اند؛ در این مقاله به دنبال بررسی «سرمایه اجتماعی در قرآن با رویکرد فرهنگ زمانه» هستیم. اینکه آیا تحت این موضوع با مشابه آن در قرآن مؤلفه‌هایی مطرح شده است یا خیر؟ از طرفی قراین و شواهد قرآنی موجود، با توجه به اینکه حدود ۱۴ قرن پیش نازل شده است، آیا با این بحث جدید، خوانایی دارد؟

سرمایه اجتماعی دارای مؤلفه‌های بسیاری است که به‌طور کلی مؤلفه‌هایی همچون: «اعتماد، مشارکت اجتماعی، هنجارهای و ارزش‌های مشترک، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، روحیه داوطلبی، زیرساخت‌ها و...» در منابع این موضوع آمده است.

فلذا در یک رویکرد می‌توان به دنبال اشارات قرآنی در باب همین مؤلفه‌ها بوده و به تعریف و مؤلفه‌های غربی اکتفا کنیم و یا اینکه به دنبال کشف مؤلفه‌های قرآنی برای موضوع سرمایه اجتماعی بگردیم.

مفاهیم

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی تعاریف گوناگونی دارند که به شرح ذیل می‌باشند:

سرمایه اجتماعی منابعی است که از یا درون شبکه‌های کسب‌وکار یا فردی در دسترس است. این منابع شامل اطلاعات، اندیشه‌ها، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب‌وکار، سرمایه‌های مالی، قدرت و نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری می‌باشند. کلمه "اجتماعی" در عنوان سرمایه اجتماعی دلالت می‌کند که این منابع خود دارایی‌های شخصی محسوب نمی‌شوند، هیچ فردی به‌تنهایی مالک آن‌ها نیست. این منابع در دل شبکه‌های روابط قرارگرفته‌اند. دسترسی به سرمایه اجتماعی به کسانی که شمارا می‌شناسد بستگی دارد، یعنی اندازه، کیفیت و گوناگونی شبکه‌های کسب‌وکار و شبکه‌های ارتباطی شخصی شما در آن مؤثر است اما فراتر از آن، سرمایه اجتماعی به کسانی که شمارا نمی‌شناسد نیز بستگی دارد (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۵: ۱۵).

سرمایه اجتماعی، برخلاف سرمایه انسانی یا سرمایه فیزیکی، مفهومی است که بسیار فراتر از دارایی‌هایی است که یک فرد در اختیار دارد و دارای روابط و زمینه‌هایی است که در آن، تعامل، نقش و وظیفه‌ای اصلی را بر عهده دارد. ضروری است ما به تعریف کلمن از روابط بین سه عامل توجه کنیم: شبکه‌ها، تعامل و اعتماد. شبکه‌ها و تعامل، به‌ضرورت ناشی از اعتماد هستند. طبق گفته پالدام سرمایه اجتماعی ماهیتاً با اعتماد سروکار دارد. درواقع اعتماد برای اینکه یک رابطه به تعامل بینجامد و برای یک فرد که می‌خواهد ارتباط موفق با شبکه افراد برقرار کند، ضروری است. بااین‌وجود، خطری که واژه سرمایه اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد، این است که این واژه تقریباً تمامی جنبه‌های رفتار سازمانی را پوشش می‌دهد که ممکن است ما به‌خوبی درک نکنیم و یا نتوانیم به‌درستی مورد ارزیابی قرار دهیم (پاتنام، ۲۰۰۵: ۴).

اما بُعد دیگر این رویکرد در تعریف پوتنام خود را نشان می‌دهد؛ سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب این ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و درنهایت منافع متقابل آن را تأمین خواهد کرد، او سرمایه اجتماعی را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داند و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود (حق‌شناس، ۱۳۸۷: ۶).

با توجه به تعاریف موجود می‌توان گفت سرمایه اجتماعی عبارت است از «مجموع آن دسته از ارتباطات و شبکه‌های ارتباط اجتماعی که در جامعه موجودند و نیز میزان اعتماد و همکاری میان روابط موجود».



اعتماد

بامطالعه و بررسی مطالعات انجام شده درباره اعتماد و اعتماد سازمانی، نکات مشترک در میان تعاریف اعتماد سازمانی وجود دارد؛ همچون: اعتقاد به مدیریت، اطمینان درباره تفکرات همکاران، صداقت و انتظارات مثبت. علاوه بر مقبولیت در حال رشد در ارتباط با چندبعدی بودن مفهوم اعتماد، محققان سازمانی به این امر تمرکز کردند که اعتماد نیز مشابه مفاهیمی همچون تعهد سازمانی، عدالت سازمانی و... (Bussing, 2002).

مفهوم اعتماد در ادبیات مدیریت در ابتدا تک بعدی بوده است، اما در میان نویسندگانی که تعریفی چندبعدی از اعتماد ارائه کردند، مورمن و شناختی را برای اعتماد شناسایی کردند؛ بعد شناختی که شامل اعتقاد داشتن به اعتبار و اطمینان شریک و دیگری بوده و مشابه با دو بعد اعتماد ارائه شده از سوی گانسن (۱۹۹۴) است که اعتماد را شامل دو بعد: ۱. اعتبار و اطمینان و ۲. خیرخواهی می دانند. بعد رفتاری هم به عمل اعتماد کردن به دیگری اشاره دارد.

بسیاری از محققان معتقدند اعتماد به طور کلی اطمینان و خوش بینی نسبت به وقوع حوادث، یا اطمینان داشتن به دیگران بدون وجود دلایل اجباری است (اسمیت و بایرنی، ۲۰۰۵، ص ۸۵). در حقیقت اعتماد، باور ما به این امر است که دیگران همان کاری را انجام می دهند که ما از آن ها انتظار داریم، بدون اینکه آن ها تحت نظارت باشند (لیوایز، ۲۰۰۷، ۵۶). به طور خلاصه، اعتماد به معنی اعتقاداتی است که افراد در مورد رفتار آینده گروه مقابل دارند. هرچه گروه الف، اعتماد بیشتری داشته باشند گروه ب در روابط به تعهداتش عمل می کند؛ که این امر نشان دهنده حسن نیت و صلاحیت گروه ب است (لی، ۲۰۰۴، ۳: ۱۵).

واژه شناسی اعتماد

اعتماد در کتب لغت مترادف با عبارت مختلفی بکار رفته است از جمله: اتکا، استظهار، استواری، اطمینان، پشت گرمی، تکیه، توکل، ثقه، دلگرمی، وثوق

- 1 . Smith & Birney
- 2 . Lewis
- 3 . Lee

اعتماد در لغت

اعتماد [ا.ت.] تکیه نمودن بر کسی. تکیه کردن بر. اطمینان (فرهنگ فارسی معین). تکیه کردن بر دیوار. (از اقرب الموارد). پشت دادن. اِتْکاء. اِتْکال. اِرْتِکاء. عَوَل (فرهنگ فارسی معین). واگذاشتن کار به کسی و سپردن چیزی را به کسی (لغت نامه دهخدا). اتکا کردن بر کسی در حاجتی. (از متن اللغة) (از اقرب الموارد). تکیه و پشت گرمی و استظهار و وثوق و نمشه و اعتقاد و اعتبار و اطمینان. (ناظم الاطباء). وثوق و اطمینان. (فرهنگ فارسی معین). محمل. ثقه. ثقت. استواری.

متراذفات واژه اعتماد در قرآن

وثق: وثقت به أثق ثقة: سكنت إليه و اعتمدت علیه، وأوثقته شددته، والميثاق عقد مؤكد بيمين وعهد (مفردات راغب: ۵۱۱)

وكل: التوكيل أن تعتمد على غيرك وتجعله نائباً عنك، قال تعالى: (وكفى بالله وكيلاً) (مفردات راغب: ۵۳۲)

طمئن: الطمأنينة والاطمئنان السكون بعد الانزعاج، قال: (ولتطمئن به قلوبكم - ولكن ليطمئن قلبي - يا أيها النفس المطمئنة) (مفردات راغب: ۳۱۷-۳۱۸)

نصح: النصح تحرى فعل أو قول فيه صلاح صاحبه، قال: (لقد أبلغتكم رسالة ربي ونصحت لكم ولكن لا تحبون الناصحين) (مفردات راغب: ۴۹۴)

طوق: والطاقة اسم لمقدار ما يمكن للإنسان أن يفعله بمشقة وذلك تشبيه بالطوق المحيط بالشئ فقلوه (ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به) (مفردات راغب: ۳۱۲)

وسع: والوسع من القدرة ما يفضل عن قدر المكلف، قال (لا يكلف الله نفساً إلا وسعها) (مفردات راغب: ۵۲۳).



وکل

توکل ۱: ۱. اعتماد، پشت گرمی، تسلیم ۲. به دیگری اعتماد کردن ۳. تفویض کردن (امر به خداوند)، کار خود به خدا وا گذاشتن، واگذار کردن در واژه توکل در آیات قرآن کریم همراه با علی به صورت متعدی و تنها برای خدا بکار رفته است؛ یعنی توکل فقط بر خدا؛

و يقولون طاعة فاذا برزوا من عندك بيت طائفة منهم غير الذي تقول والله يكتب ما يبیتون فاعرض عنهم و توکل علی الله و کفی بالله وکیلا (نساء / ۸۱)

«و چون مردم سست ایمان را به جهاد فراخوانی می گویند: ما از تو اطاعت می کنیم، ولی هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، گروهی از آنان شبانگاه به چیزی جز آنچه گفته ای و با تو وعده کرده اند می اندیشند و درباره آن چاره جویی می کنند. البته خدا آنچه را شبانه بر ضد تو می اندیشند ثبت می کند. پس از آنان روی برتاب و بر خدا توکل کن که خدا برای کارسازی امور بسنده است.»

یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمت الله علیکم اذ هم قوم ان یسطوا الیکم ایدیهم فکف ایدیهم عنکم و اتقوا الله و علی الله فلیتوکل المومنون (مائده / ۱۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، نعمت خدا را بر خود، به یاد آورید آنگاه که گروهی آهنگ آن کردند که به سوی شما دست دراز کنند و شما و آیینتان را نابود سازند، پس خداوند دستشان را از شما بازداشت؛ و از خدا پروا کنید و پیمان های او را نشکنید و مؤمنان باید در امر دین و دنیای خود تنها بر خدا توکل کنند (امور خود را در تکوین و تشریع به او وانهند)».

معنای توکل کردن به خداوند

مراد از توکل چیزی است که شامل امور تشریعی و تکوینی (هر دو) می شود و با حداقل مختص به امور تشریعی است، به این معنا که خدای تعالی مؤمنین را دستور داده به اینکه خدا و رسول را در احکام دینی اطاعت کنند و آنچه را که پیامبرشان آورده و برایشان بیان کرده بکار ببندند و امر دین و قوانین الهی را به خدای تعالی که پروردگارشان است محول نموده و به وی واگذار کنند و به هیچ وجه خود را مستقل ندانند و در شرایطی که خدای تعالی تشریع نموده و به دست آنان ودیعت سپرده و دخل و تصرف ننمایند، هم چنان که دستورشان داده که او را در سنت اسباب و مسبباتی که در عالم

جاری ساخته اطاعت کنند و در عین اینکه بر طبق این سنت عمل می‌کنند در عین حال آن اسباب و مسببات را تکیه‌گاه خود ننموده، برای آن‌ها استقلال در تأثیر که همان ربوبیت است معتقد نشوند، (بیماران‌شان را مداوا بکنند، ولی دوا را مستقل در شفا ندانند، به دنبال کار و کسب بروند ولی کسب را رازق خود ندانند و همچنین) بلکه همه این وظایف را به‌عنوان یکی از هزار شرط انجام داده منتظر آن باشند که اگر خدا خواست نه‌صد و نودونه شرط دیگرش را ایجاد کند در نتیجه اگر ایجاد کرد به مشیت و تدبیر او رضا دهند و اگر هم نکرد باز به مشیت او راضی باشند (علامه طباطبایی، ۵: ۳۸۹).

نُصَح

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نَصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (هود / ۳۴)

کلمه «نُصَح» به کار یا کلامی گفته می‌شود که به‌قصد اصلاح و از روی اخلاص باشد و کلمه‌ی «غِي» به جهلی گفته می‌شود که ناشی از اعتقاد فاسد باشد. فرق میان «اضلال» و «اغواء» آن است که ضالّ هدف را می‌داند، ولی راه را گم کرده، اما در اغواء مقصد و هدف هر دو را گم کرده است. نسبت اضلال و اغواء به خداوند، از باب کیفر لجاجت و فساد اخلاق گمراهان است، نه آنکه خداوند از ابتدا و بدون مقدمه کسی را گمراه کند. (ما يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ) (تفسیر نور)

وُسْع

کلمه (وُسْع) به معنای توانایی و تمکن است و اصل در آن وسعت مکانی بوده است و بعدها قدرت آدمی، چیزی نظیر ظرف تصور شده است که افعال اختیاری آدمی از آن صادر می‌شود، در نتیجه کارهایی که از آدمی سر می‌زند در حدود قدرت و ظرفیت او است، حال یا کم است و یا زیاد و آنچه از آدمی سر نمی‌زند، ظرفیتش را نداشته است، در نتیجه این استعمال، معنای وسعت به طاقت منطبق شد و در آخر طاقت را وُسْع نامیده و گفتند: «وُسْع آدمی» یعنی طاقت و ظرفیت قدرت او (طباطبایی، ۲: ۶۸۴).

راغب اصفهانی در معنای «وُسْع» می‌گوید: «السَّعَةُ تَقَالُ فِي الْأَمَكَةِ، وَفِي الْحَالِ، وَفِي الْفِعْلِ كَالْقُدْرَةِ وَالْجُودِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۷۰).



بر اساس این تعریف، مفسران می‌گویند: وسع، به معنای توانایی و تمکّن (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۴۴۳)، کنایه از ظرفیت نفس است (طالقانی، ۱۳۶۲، ۲: ۲۷۸).

اضافه آن به نفس (وُسْعَهَا) شامل هرگونه توان نفسانی از قدرت دریافت، اراده، اختیار و اعمال می‌شود و هرچه در طریق کمال این میدان‌ها وسیع‌تر و توان‌اندیشه و اراده بیش‌تر گردد، تکلیف و مسئولیت افزایش می‌یابد؛ یعنی در هر مرتبه‌ای که وسعی می‌یابد، همتش افزون‌تر و ناتوانی‌اش کم‌تر و تکلیف و مسئولیتش بیش‌تر و یا شدیدتر می‌گردد (طالقانی، ۱۳۶۲، ۲: ۲۷۸).

توضیح نظریه بازتاب فرهنگ زمانه

برای تقریر و تعریف بازتاب فرهنگ زمانه و نیل به این منظور، بررسی مقالات نظریه‌پردازان آن لازم و ضروری است. در ابتدا به سبب تقدم زمانی، مقاله سید هدایت جلیلی مورد تعریف و تقریر واقع شده و سپس از مقاله آقای خرمشاهی به صورت اجمالی و مختصر مطالبی ذکر می‌شود.

سید هدایت جلیلی در این مقاله که در راستای رسیدن به این مطلب که قرآن بازتاب فرهنگ زمانه بوده و در آن نوعی تسامح و مماشات با باورها و معلومات عصر جاهلی دیده می‌شود، مباحثی را طرح کرده است.

مهم‌ترین مطلبی که وی در این اثر به آن پرداخته، تعریف ویژه‌ای است که از واژه «لسان» (ابراهیم/۴) ارائه داده است؛ وی مراد از لسان قوم را در آیه مذکور لغت قوم ندانسته، بلکه منظور از آن را فرهنگ قوم می‌شمارد و در زبان قوم بودن را به معنای در قالب فرهنگ قوم بودن می‌داند (رحمان ستایش، ۱۳۹۳، صص ۱۲۹-۱۴۵).

فرهنگ، به آداب، عادات، عقاید، معارف، مناسبات، رسوم و جهان‌بینی قوم، ملت و جامعه گفته می‌شود. وقتی سخن از فرهنگ عصر یا فرهنگ ملتی به میان می‌آید در حقیقت از اخلاقیات، باورها، مناسبت‌های اجتماعی، دانستی‌ها و بالاخره دیدگاه‌های کلی آنان نسبت به جهان و انسان سخن گفته می‌شود. طبعاً فرهنگ شامل آداب، و سنن رفتاری و عقاید خرافی می‌گردد.

معمولاً فرهنگ ملت‌ها از یکدیگر متمایز هست. ممکن است ملتی با ملت دیگر مشترکاتی داشته باشد و در دو برهه تاریخی آن مشترکات فرهنگی همچنان باقی بماند، اما تحولات اجتماعی

و سیاسی زمینه دگرگونی در فرهنگ یک ملت را فراهم ساخته، و به گونه ای دگرگون شده که فرهنگ عصر رسالت با فرهنگ عصر کنونی به دو عنوان متمایز از هم توصیف شوند.

صاحبان نظریه بازتاب فرهنگی نسبت به انعکاس مطالبی در قرآن که به مسائل علمی، تاریخی، اعتقادی و اجتماعی پرداخته، برای رفع شبهات مطرح شده می گویند: قرآن این مطالب را از باب همراهی با فرهنگ عصر گفته است یعنی به گونه ای از آداب، عادات، عقاید، رسوم، مناسبت ها و جهان بینی عصر نزول در قرآن سخن گفته و گونه هایی از باورها و دانستی های فرهنگ جاهلیت را عالماً و عامداً در قرآن جا داده است. آقای بهاء الدین خرمشاهی در توضیح این سخن می نویسد: «راقم این سطور بر آن است که فرهنگ یعنی آداب و عادات و عقاید و معارف و رسوم و مناسبات و جهان بینی مردمان عصر نزول قرآن (و طبعاً مقادیری از فرهنگ یا شبه فرهنگ جاهلیت) عالماً و عامداً به صلاحیت صاحب قرآن، خداوند سبحان در کلام الله، قرآن راه داده شده است، نه اینکه زهرا و طبعاً راه یافته است» (خرمشاهی، ۱۳۷۴، شماره ۵: ۹۶).

بنابراین، طبق این نظریه، صاحب وحی با آگاهی از موقعیت و شرایط اجتماعی عصر جاهلیت و با برنامه و مصلحت این مقوله از مطالب را در جای جای قرآن آورده است. لذا گفته می شود: قرآن بازتاب فرهنگ زمانه است نه به این معناست که ناخودآگاه و بدون توجه صاحب وحی و بدون توجه به پیامد آن فرهنگ عصر در این مباحث راه یافته، بلکه به دلیل عواملی که بعداً خواهد آمد خود خداوند مقوله هایی از عادات و عقاید و معارف و جهان بینی مردم حجاز و مخاطبین عصر نزول را در لابه لای معارف و حیانی منعکس ساخته است (ایازی، ۱۳۷۶، ۴۹).

پیشینه پژوهش

در زمینه سرمایه اجتماعی و شناخت مؤلفه های مهم آن پژوهش های زیادی صورت گرفته است. اما با توجه به تأکید این پژوهش بر آموزه های قرآن کریم، پژوهش هایی مورد نظر است که تأکیدشان بر آموزه های قرآن کریم بوده است. در پژوهشی که شکر بیگی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «خوانش قرآنی از سرمایه اجتماعی با تأکید بر سوره حجرات» انجام دادند، روشن شد سوره حجرات دربرگیرنده آداب و اصول ارتباطی است که زمینه های ارتباط سالم را ترسیم می کند. این



مفاهیم دربرگیرنده مهارت‌های ارتباطی و موانع تخریب آن است. مؤلفه‌هایی که در این سوره به آن پرداخته شده در سطح ساختاری و شناختی و ارتباطی تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی است.

در پژوهشی دیگر که خادم‌زاده و افسری (۱۳۹۵) با عنوان «تأثیر آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان جهان» انجام دادند، این نتیجه به دست آمد که فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی و تحصیلات دانشگاهی بر سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معنادار دارد.

در پژوهشی دیگر که صادقی و خنیفر (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی در نص و احادیث در رهگذر رابطه علم و دین» انجام دادند، مشخص شد دین به عنوان نظامی ماورایی می‌تواند یکی از عوامل مهم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در جهانی باشد که بار دیگر به نقش‌آفرینی دین در این عرصه اقرار کرده است.

در پژوهشی دیگر که محمدی (۱۳۹۲) با عنوان «سرمایه اجتماعی و برخی شاخص‌های مهم آن در قرآن کریم» انجام داد، ۲۶ شاخص برای سرمایه اجتماعی استخراج شد و او ثابت کرد این شاخص‌ها برافزایش سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

علی افسری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی در اسلام» بیان می‌کند که با بررسی اصول اسلامی مانند وحدت، اخوت، عدالت، تعاون، مشورت، مصابره و م رابطه، تکافل اجتماعی و همین‌طور فضایل اخلاقی نظیر صداقت، وفای به عهد، حسن ظن، خوش‌رویی و...، درمی‌یابیم که اجرای اصول اسلامی در ابعاد فردی و اجتماعی بر انواع و سطوح مختلف سرمایه اجتماعی تأثیر زیادی دارد. علاوه بر آن به نظر می‌رسد که پیاده شدن این اصول، مؤثرترین روشی است که می‌تواند سرمایه اجتماعی را به بالاترین سطح ممکن آن برساند.

کوه‌کن (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در اسلام» به بررسی مؤلفه‌های ساختاری و شناختی و ارتباطی سرمایه اجتماعی در اسلام پرداخت و اعلام کرد در اسلام برای تقویت سرمایه اجتماعی راهکارهای خوبی وجود دارد که ضروری است سیاست‌گذاران امور جامعه برای تقویت و گسترش آن‌ها تلاش کنند.

حمیدی زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی از منظر قرآن؛ مؤلفه‌ها، عوامل، راهبردها» پس از بررسی آیات مرتبط با موضوع، ۵۶ کد برای سرمایه اجتماعی یافتند



که می‌توانند باعث افزایش سرمایه اجتماعی شوند و نهایتاً با استفاده از این مجموعه مؤلفه‌های قرآنی، الگویی مفهومی ارائه کردند

چیستی سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی مفهومی پیچیده، چندوجهی و بین‌رشته‌ای است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب نموده است. سرمایه اجتماعی را اغلب شبکه‌ای از هنجارها، ارزش‌های غیررسمی، قواعد عرفی و تعهدات اخلاقی می‌دانند که رفتارهای متقابل افراد در آن‌ها شکل می‌گیرد و موجب تسهیل روابط اجتماعی افراد می‌شود و معمولاً به افزایش همکاری مشارکت اجتماعی افراد می‌انجامد و کمک می‌کند تا سرمایه انسانی، مادی و اقتصادی بتواند در تعامل باهم به یک رشد پویا برسد.

درواقع سرمایه اجتماعی را می‌توان تأثیر اقتصادی مؤلفه‌های فرهنگی هر سیستم اجتماعی دانست که در آن مفاهیمی مانند اعتماد، مشارکت داوطلبانه، هنجارهای حرفه‌ای، پاسخگویی و موارد مشابه باعث می‌شود تا هزینه‌های مدیریتی نظیر نظارت و کنترل رسمی، رایزنی‌های مدیریتی، کندی ناشی از نظام بوروکراتیک و موارد دیگر پایین آمده و امکان استفاده از زمان و سرمایه برای انجام فعالیت‌هایی با بهره‌وری بیشتر فراهم شود.

در چنین بستری، سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی از جایگاه ویژه برخوردار بوده، می‌تواند در تصمیمات خرد و کلان اجتماعی به شکل قابل توجهی تأثیرگذار باشد. مؤلفه‌هایی نظیر اعتماد، مشارکت داوطلبانه و موارد مشابه در سرمایه اجتماعی، باعث می‌شوند تا هزینه‌های مدیریتی نظیر نظارت و کنترل رسمی، رایزنی‌های مدیریتی، کندی ناشی از سیستم بوروکراتیک و موارد دیگر پایین آمده و امکان استفاده از زمان و سرمایه در جهت انجام فعالیت‌هایی با بهره‌وری بیشتر فراهم گردد. از آنجایی که سرمایه اجتماعی حاصل روابط مبتنی بر اعتماد و اطمینان در جامعه است، مانند هوا (اکسیژن) است (فاطمه امامقلی، ۱۳۹۰: ۵۹ و ۶۷).

آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم در بردارند مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده، به‌نحوی که گروه را به سمت دستیابی به اهدافی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود، هدایت می‌کند.



سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع آن دسته از ارتباطات و شبکه‌های ارتباط اجتماعی که در جامعه موجودند و نیز میزان اعتماد و همکاری میان روابط موجود. در اینجا می‌توان گفت اگر در جامعه‌ای میزان سرمایه اجتماعی پایین باشد، خطر افتادن آن جامعه به وضعیت تله اجتماعی بسیار بالاست. تله اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی پایین، نبودن اعتماد و اطمینان به یکدیگر بین مردم، رواج فساد اداری- اقتصادی، ترس و.... پس می‌توان تله اجتماعی را که بعضی اوقات از آن به‌عنوان مشکل منافع جمعی یاد می‌شود به‌صورت زیر شرح داد (محمد مبشری، ۱۳۸۷: ۴۶۷۹).

ابعاد سرمایه اجتماعی

بر اساس نظریات اندیشمندان و جامعه‌شناسان در حیطه سرمایه اجتماعی، مؤلفه‌های متفاوتی در شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی دخیل هستند که از نظر ماهیت با یکدیگر متمایز هستند. ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) ابعاد گوناگون، سرمایه اجتماعی را در سه حیطه اساسی؛ ساختاری، رابطه‌ای و شناختی دانسته است (ناهاپیت و گوشال، ۱۹۹۸: ۳۲).

مؤلفه‌های ساختاری، مربوط به بستر و جایگاه بروز و ظهور سرمایه اجتماعی است. در هر جامعه‌ای باید ساختارها وجود داشته باشد تا سرمایه اجتماعی در آن جامعه تولید و انباشته شود. بدون وجود این ساختارها، مؤلفه‌های دیگر سرمایه اجتماعی نمی‌تواند به ایجاد و تقویت این سرمایه کمک چندانی نمایند و به‌صورت غیرفعال و نهفته باقی می‌مانند. مهم‌ترین اجزا این بُعد از سرمایه اجتماعی، توجه به پیکربندی پیوندها، شبکه‌های اجتماعی و متناسب‌سازی شبکه‌های ارتباطی با نیازهاست (الوانی، همان، ۳۶). مقصود از پیکربندی پیوندهای شبکه‌های اجتماعی؛ روابط رسمی و غیررسمی، پیوندهای بین افراد، الگوهای ارتباطات میان خانواده‌ها، همسایگان... است که سبب وسعت بخشیدن به روابط می‌گردد. همچنین نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از مهم‌ترین عناصر و اجزاء مؤلف ساختاری سرمایه اجتماعی هست (حمیدی زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۳-۲۲۳).

سرمایه اجتماعی ایجاد شده، از جمله روابط و پیوندها، هنجارها و اعتماد در یک محیط خاص، اغلب می‌تواند از یک محیط اجتماعی به محیط اجتماعی دیگری انتقال داده شود، و بدین ترتیب بر الگوهای تبادل اجتماعی تأثیر گذارد. سازمان‌های اجتماعی مناسب می‌تواند یک شبکه بالقوه دسترسی به افراد و منابعشان از جمله اطلاعات و دانش را فراهم کنند و از طریق ابعاد شناختی و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی، انگیزش و قابلیت را برای برقراری ارتباطات تضمین؛ و تعامل بین سازمانی و درون‌شبکه‌ای را تسهیل می‌نمایند (فیض، داود؛ بنددار، امیررضا، طراح‌ی و ارائه مدل مفهومی توسعه یادگیری سازمانی با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی) جنبه ساختاری باعث ایجاد و تقویت شبکه‌های اجتماعی می‌گردد که در نهایت در روابط افقی و روابط عمودی گروه‌های اجتماعی نمود می‌یابد.

بُعد شناختی سرمایه اجتماعی، ناظر به درک متقابل افراد از یکدیگر است و مکان تعامل آن‌ها را بیشتر می‌نماید. در حقیقت بُعد شناختی به آن دسته از موضوعاتی می‌پردازد که در پیام‌های مشترک، میان اعضای گروه در جریان است. با این روش، درک متقابل میان افراد از راه زبان مشترک و مبادله سرگذشت‌های مشترک محقق می‌شود. زبان و سرگذشت‌های مشترک موجب افزایش سطح درک میان اعضای می‌شود و توانایی افراد را برای پیش‌بینی اقدامات سایر افراد افزایش می‌دهد.

بُعد رابطه‌ای، موجب ایجاد و گسترش ارتباط میان افراد می‌شود. هرچه افراد ارتباط سالمی با یکدیگر داشته باشند و مؤلفه‌های ارتباطی را تقویت نمایند؛ شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد. این مؤلفه‌ها در حقیقت بیان‌کننده نوع ارتباط افراد در طول تعامل‌ها هستند. مهم‌ترین اجزاء و عناصر این بعد عبارت‌اند از: اعتماد، هنجارها، انتظارات، تکالیف و هویت... (الوانی، همان). درواقع این بُعد به ارتباط مؤثر بین همکارانی که یکدیگر را دوست دارند، به یکدیگر اعتماد دارند، و باهم هویت می‌یابند توجه دارد.

در حقیقت، هویت فرآیندی است که در آن افراد احساس می‌کنند با فرد یا گروهی از افراد دیگر، عضو یک گروه واحد هستند. اعتماد متقابل نقش بسیار اساسی در تسهیل فرآیندها، افزایش منافع و کاهش هزینه‌های مربوط به این‌گونه تبادلات انسانی و تسهیمی دانش خواهد داشت. هراندازه اعتماد اجتماعی بیشتر شود؛ میزان سرمایه اجتماعی در گروه بیشتر و در نتیجه امکان خلق و تسهیم دانش نیز بیشتر خواهد بود. درجایی که روابط مبتنی بر اعتماد در سطح بالایی وجود دارد افراد



تمایل زیادی برای تبادل اجتماعی و تعامل هم کارانه دارند. درواقع، ارتباط، تاروپود جامعه را به هم پیوند می‌دهد و موجب یکپارچگی و وحدت اجتماعی می‌گردد (شکر بیگی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱).

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

مؤلفه‌های ساختاری سرمایه اجتماعی بستری را به وجود می‌آورد که سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در آن جریان می‌یابد. هر یک از این ارکان و ساختارها، دارای ویژگی‌هایی هستند که محیط مناسبی را برای رشد و تولید سرمایه اجتماعی فراهم می‌سازد.

مؤلفه‌های شناختی

در اسلام قوانین و دستوراتی وجود دارد که به بُعد شناختی، سرمایه اجتماعی می‌پردازد و موجب می‌شود که اطمینان میان اعضای جامعه به وجود آید. شکل‌گیری ارتباطات بین فردی سالم سبب می‌شود تا جامعه‌ای سالم با سرمایه اجتماعی بالا داشته باشیم.

مؤلفه‌های رابطه‌ای

هراندازه مؤلفه‌های ارتباطی تقویت شوند، افراد بیشتری با یکدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند و شبکه‌های اجتماعی ارتباطات میان افراد گسترده‌تر می‌گردد. ارتقاء شبکه‌ی اجتماعی که در جامعه اسلامی میان برادران ایمانی وجود دارد؛ بسیار حائز اهمیت است. هدف اصلی ارتباطات اجتماعی، آگاهی بخشی، ایجاد نگرش‌های مثبت، کاهش هزینه‌های ارتباطی، از بین بردن نزاع و اختلاف بین افراد، وسعت بخشیدن به مسائل موردتوافق افراد و گسترش آن‌ها و... است. لذا ایجاد ارتباط و تداوم ارتباطات صحیح بین فردی، اهمیت بسزایی در تداوم سلامت روانی افراد، هویت‌یابی اشخاص، بهبود کیفیت زندگی و شکوفایی نیروها و... دارد (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی گاهی معادل به عموم افراد و یا افراد نزدیک‌تر به کار می‌رود؛ گاهی به‌عنوان بازده و پیامد تعاملات مکرر و گاهی به‌عنوان عامل پیش‌نیازی که انجام معاملات را ممکن می‌سازد، به



کار می‌رود (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۱۵). در بررسی مفهوم و شناخت سرمایه اجتماعی، اعتماد محور اصلی این اصطلاح کاربردی است.

اعتماد اجتماعی در آموزه‌های قرآنی

اعتماد دارای دو حیطه اعتماد ویژه و اعتماد عمومی است. اعتماد ویژه زمانی حاصل می‌شود که افراد مدام در تعامل با یکدیگر باشند و در نتیجه حسن شهرت پیدا کنند. اعتماد ویژه به افراد خاص محدود می‌شود و به آسانی قابل تعمیم نیست. در عوض اعتماد عمومی یا اعتمادی که بر اساس اصول اخلاقی به وجود آمده باشد؛ حاصل ارزش‌ها، نگرش‌ها یا هنجارهای اجتماعی است که در هنگام مهیا بودن شرایط خاص ایجاد می‌شود. این نوع اعتماد شعاع بیشتری داشته و افراد زیادی را در بر می‌گیرد (امامی، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

در اسلام، گستره اعتماد بین افراد یا در اصطلاح شعاع اعتماد بسیار عمومی و وسیع است؛ تمام کسانی که به عنوان مسلمان باتقوا شناخته می‌شوند باید همواره مورد اعتماد و احترام قرار گیرند؛ انسان متقی، شخصی است که از همه رذایل اخلاقی مبرا باشد؛ بنابراین همه اشخاص به چنین فردی اعتماد نموده و تمایل خواهند داشت با او تعامل داشته باشند. قرآن کریم صفات متعددی برای متقین نام برده از جمله آن‌که این افراد به غیب ایمان دارند؛ برپاکننده نماز هستند و روزی خویش را به دیگران انفاق می‌نمایند. بنابراین متقین بر اساس آگاهی و شناختی که نسبت به خداوند، جهان هستی و خویشان کسب نموده‌اند دست به انجام امور خیر و نیک می‌زنند. چنین افرادی نسبت به دیگران ظلم نمی‌کنند و بر آنان سلطه نمی‌جویند. بنابراین اعتماد عام و همه‌جانبه-ای نسبت به متقین در فرهنگ اسلامی وجود دارد.

چنان‌که در راستای اعتماد عمومی در جامعه، می‌توان به آیه شریفه ۱۲ سوره نور اشاره نمود که خداوند متعال فرمودند: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» که بسیار فراتر از مسائل قبلی، به دفع فضای بی‌اعتمادی از طریق حسن ظن دعوت می‌نماید. چنان‌که علامه طباطبایی در تفسیر آیه فرمودند: «کسی که متصف به ایمان است باید به افراد دیگری که چون او متصف به ایمان هستند ظن خیر داشته باشد؛ زیرا همه اهل ایمان همچون شخص واحدی هستند که متصف به ایمان و لوازم و آثار آن است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۱۳۰).





از سوی دیگر هنجارها و اصول اسلامی که میان افراد قرار دارند، به گونه ای طراحی شده است که اعتماد بیت افراد را تقویت می نماید. اما در خصوص فاسقان خداوند متعال فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات/۶) افراد فاسق و بی تقوا، قابلیت اعتماد ندارند و نمی توان به آنها اعتماد نمود.

همچنین در خصوص ارتباط با ظالمان؛ خداوند متعال فرمودند: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود/۱۱۳) رکون به معنای صرف اعتماد نیست، بلکه اعتمادی است که توأم با میل باشد. البته رکون به ظالمان بدان معناست که فرد از سر میل یا محبت به آنان نزدیک گردد و این احساس هرچند ناخودآگاه سبب می شود که او به آن ها اعتماد یا تکیه کند. اعتماد به معنای مداخله و اثرپذیری از ظالمان و مشرکان نیز به کار می رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱: ۶۷).

اعتماد اجتماعی سبب کسب نتایج و ثمرات فراوانی است که یکی از آنان تقویت سرمایه اجتماعی هست؛ همچنان امام علی (ع) می فرماید: «مُعْتَمِدًا فَضَّلَ قُوَّتَهُمْ بِمَا ذَخَرَتْ عِنْدَهُمْ مِنْ إِجْمَامِكَ لَهُمْ وَ الثَّقَّةَ مِنْهُمْ بِمَا عَوَّذَتْهُمْ مِنْ عَذْلِكَ عَلَيْهِمْ وَ رِفْقِكَ بِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۳۳: ۶۰۶) با آنچه نزد مردم اندوخته ای، و اطمینانی که به اجرای عدالت از سوی تو یافته اند، و مدارایی که از تو دیده اند، می توانی به نیروی سرشار توده ها اعتماد کنی.

نکته حائز اهمیت این است که در بینش اسلامی، اعتماد نسبت به مؤمنان به صورت ویژه ای مورد توجه قرار گرفته شده است که در تعاریف غربی دیده نمی شود. با توجه به بررسی های صورت گرفته در نصوص دینی، مشخص گردید با آنکه واژه اعتماد اجتماعی، به صورتی که مدنظر جامعه شناسان است، به کار نرفته است؛ اما بسیاری از دستورات اسلامی و تعالیم قرآنی و روایی به تولید و انباشت اعتماد اجتماعی منتهی می گردند که بسیار حائز اهمیت هستند. از همین طور مؤلفه ها و عوامل مختلفی سبب اعتماد آفرینی و تقویت اعتماد اجتماعی در سطوح گوناگون می گردند که مهم ترین آن عبارت است از انصاف ورزی.

انصاف ورزی

عملکرد منصفانه و بی طرفانه به تعمیم اعتماد کمک می‌رساند. برابری در مقابل قانون و مساوات در بروز رفتارهای منصفانه مؤثر هستند (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۲۵۴). از معیارهای مهم و مؤثر بر اعتمادسازی در مفاهیم و تعالیم اسلامی، می‌توان به رعایت انصاف در برخوردهای اجتماعی و برقراری ارتباطات اجتماعی بر اساس عدالت و انصاف اشاره نمود. آنچه در پیوند بین عدالت، انصاف و سرمایه اجتماعی اهمیت دارد، این است که این اصل گامی اساسی در بهبود روابط اجتماعی و استحکام پیوندهای اجتماعی است.

رعایت اصل عدالت و انصاف در فرهنگ قرآنی، همراه با نیکی و احسان بکار رفته است، چراکه اصل عدل و احسان دو ارزش در اسلام هستند که خداوند بدان‌ها امر فرموده است. آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/ ۹۰) بیانگر این نکته است که نه عدل به‌تنهایی و نه احسان به‌صورت مجزا، در پاسخگویی به نیازهای افراد کفایت نمی‌کند. اگر هر دو اصل باهم رعایت شود انگیزه فعالیت و مشارکت بالا می‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۳: ۴۳).

در حقیقت، امر به برقراری عدالت و دادگری یکی از تعلیم صریح دین اسلام است که تأثیر مستقیمی بر خلق اعتماد اجتماعی و تقویت آن بین اشخاص، نهادها و سطوح مختلف اجتماع برجای خواهد گذاشت. خداوند متعال در آیه دیگری فرمودند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء/ ۱۳۵) کلمه قسط، به معنای عدل است و قیام به قسط به معنای عمل به قسط و حفاظت از آن است به این معنا که شخص مراقب باشد تا انگیزه‌هایی مانند هوای نفس، عاطفه، ترس، طمع و... او را از حالت اعتدال و عدالت خارج ننماید. در حقیقت صفت عدالت ورزی، یکی از مؤثرترین عوامل و کامل‌ترین اسباب برای پیروی حق است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵: ۱۷۵-۱۷۶).

صاحب تفسیر المنار معتقد است که امر به عدل و قسط در حفظ و قوام بخشیدن به امور اجتماعی افراد تأثیرگذار است؛ بدین معنا که عدل و برقراری قسط در جامعه برای رسیدن به حقوق شخصی و طبیعی انسان معین گردیده است. به همین دلیل دین اسلام قوانینی مانند: عصبيت جاهلی، روابط بر اساس تعصبات خانوادگی و قوانینی که در عصر جاهلی در روابط بین افراد



تأثیرگذارند را درهم شکسته و پیروی از حق و برقراری عدل و قسط را ملاک رفتار فردی و اجتماعی افراد قرار داده است. به همین جهت خداوند متعال از لفظ «قَوَّامِينَ» که صورت مبالغه است، استفاده نموده تا نشان دهد افراد خود باید آن را برپا دارند و بر آن مداومت نمایند. بنابراین مقصود از لفظ «قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» این است که صفت عدالت و برقراری قسط در افراد باید به شکل تام و به صورت ملکه نفسانی درآید که در برابر همه اعم از زن، فرزند، حاکم، زیردست و سایر انسان‌ها رعایت گردد (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ۵: ۴۵۷).

آنچه بیان شد، معنای عدالتی است که خداوند در قرآن، بدان دستور داده است؛ عدالتی که هدف و آرزوی انسانیت است و زندگی بشری بدون آن سامان نمی‌گیرد؛ زیرا جامعه ممکن است بدون دانش زندگی کند، اما ادامه زندگی جامعه بدون عدالت، محال است (مغنیه، ۱۳۸۷، ۳: ۴۹).

بنابراین رعایت عدالت و انصاف در فرهنگ اسلامی تنها مختص به یک گروه خاص نیست و همین مسئله سبب گسترش فرهنگ اعتماد در جامعه شده، همچنان که امام علی (ع) در خصوص رعایت انصاف در بین افراد فرمودند: «أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ، وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۴: ۲۴۲). هرچه خدا بر تو فریضه کرده است، ادا کن - با خدا انصاف داشته باش - و درباره خواص خویشاوندان و افراد رعیت، هر کس را که دوست داری، انصاف را رعایت نما که اگر چنین نکنی، ستم کرده‌ای. «رعایت انصاف در سطوح گوناگون سرمایه اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ چنانچه در سطح بین‌المللی و کلان، بسیاری از مصالح جامعه از طریق ارتباطات تنگاتنگ و دوجانبه صورت می‌گیرد که رعایت عدل و انصاف این رابطه را مستحکم‌تر و سرمایه اجتماعی را تقویت می‌نماید» (فاضلی کبریا، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

مؤلفه‌های عدالت‌پروری و انصاف‌ورزی، بر شکل‌گیری روابط اجتماعی تأثیر مستقیمی دارند؛ همچنین بر تداوم تعاملات مؤثر است چنانکه رعایت انصاف، زمینه دوستی، الفت و پیوستگی اجتماعی بین افراد را ارتقا می‌دهد.

انصاف سبب رشد اعتماد بین فردی می‌شود، چنان‌که امام (ع) در این زمینه به زیبایی فرمودند: «أَنْصَفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ يَوْثُقَ بَكُمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۵: ۵۳) با مردم به انصاف رفتار کنید تا به شما اعتماد کنند.

رعایت عدالت و انصاف ورزی در جامعه سبب می‌شود، اعتماد به اجرای برابر قانون و کسب نتایج منصفانه در تعاملات اجتماعی در بین مردم رواج یابد؛ در این حالت افراد به شرکت در انجام امور جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی تشویق خواهد شد.

لازم به ذکر است که اعتماد همواره به صورت رابطه‌ای دوسویه مورد توجه است، چراکه از سویی سبب تقویت سرمایه اجتماعی می‌گردد و از سوی دیگر از ثمرات سرمایه اجتماعی بالا در گروه‌ها و نهادها، رواج اعتماد اجتماعی تعمیم یافته است. بنابراین رابطه بین سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه‌ای ناگسستی و انکارناپذیر در سرنوشت گروه‌ها و افراد است. منظور از اعتماد، حسن ظن فرد نسبت به افراد جامعه است. در بینش جامعه‌شناختی، بیشتر روی اعتماد در روابط بین شخصی و اعتماد به نظام‌ها و کنش سازمان‌ها و ساختارها بحث می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌هایی همچون اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده، کار گروهی در یک سیستم اجتماعی دانست.

پس از تولید سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری رابطه اعتماد، اعتماد به خوبی خود قوی می‌شود. قوی شدن اعتماد به معنای افزایش سرمایه اجتماعی است و به همین ترتیب سرمایه اجتماعی و اعتماد به تقویت هم می‌پردازند. بین اعتماد و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای دوسویه وجود دارد.

شبکه مفهومی واژه اعتماد به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی بر طبق نظریه بازتاب فرهنگ زمانه، در قرآن معادل واژه‌های وکل، نصیح، وسع، طوق و... است که نشان می‌دهد مؤلفه اعتماد برگرفته از عادات، عقاید، معارف و جهان‌بینی مردم حجاز و مخاطبین عصر نزول است که در لابه‌لای معارف و حیانی منعکس و ارتقاء یافته است که هر یک از این مؤلفه‌ها، تأثیر بسزایی در پیوستگی و همبستگی اجتماعی در بین افراد جامعه داشته است.

فهرست منابع

۱. احمدی، سید علی اکبر؛ فیض آبادی، حوریه (۱۳۹۰)، «بررسی ارتقاء سرمایه اجتماعی بر بهبود عملکرد سازمان»، مجله مدیریت دولتی، شماره ۶، صص ۳۶۳-۳۶۴.
۲. الوانی، سید مهدی؛ سید نقوی، میرعلی (۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، دوره ۹، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۲-۲۶.
۳. امامقلی، فاطمه (۱۳۹۰)، «نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد سازمانی (مطالعه موردی: مدیریت شعب بانک تجارت استان قزوین)»، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، شماره ۷، صص ۵۹ و ۶۰ (۶۷-۵۹).
۴. امامی، محمدرضا (۱۳۹۳)، معماری سرمایه فکری بر پایه مدیریت دانش، اعتماد، همکاری رقابتی، تهران، نشر انسان برتر، چاپ اول.
۵. ایازی، سید محمدعلی (۱۳۷۶)، نقد و بررسی نظریه بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن، نامه مفید، شماره ۱۰، صص ۳۹-۶۸.
۶. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: سلام.
۷. تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاک‌باز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه، چاپ دوم.
۸. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۴)، مجله بینات، شماره ۵.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، الدار الشامیه، بیروت: چاپ اول.
۱۰. رحمان‌ستایش، محمدکاظم (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر اندیشه انعکاس فرهنگ زمانه در قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۹.
۱۱. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول.

۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر مهر، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۳. شجاعی‌باغینی، محمد مهدی (۱۳۸۷)، مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگ و اجتماعی، چاپ اول.
۱۴. شکر بیگی، نرگس (۱۳۹۶)، بازتاب سرمایه اجتماعی در قرآن و حدیث، رساله دکترا، ایلام: دانشگاه ایلام.
۱۵. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی التفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۷. فاضلی کبریا، حامد (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه (رویکرد مدیریتی)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۸. فیض، داود؛ بنددار، امیررضا (۱۳۹۰)، طراحی و ارائه مدل مفهومی توسعه یادگیری سازمانی با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، ۱۳۹۰.
۱۹. مبشری، محمد (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی چیست؟، روزنامه همشهری، سال ۱۶، شماره ۴۶۷۹.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۱. مصباح، محمدتقی (۱۳۷۸)، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، جلد ۳.
۲۲. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸)، تفسیر کاشف، مترجم: موسی دانش، قم، بوستان کتاب قم، چاپ اول.